

میدون و سوفیا

آیا روزنامه‌نگاران آدم نیستند؟



- سلام میدون دوم.

سلام سوفیا.

-عزیزم، من ریختم به‌هم. می‌خواهی مرتبت کنم؟

-نه عشقم. به من بگو چرا بازیگران می‌توانند توی هر فیلم سفارشی بازی کنند یا توی سریال‌های داغون تلویزیون نقش اول می‌شوند یا خواننده‌ها می‌توانند بروند توی صداوسیما مصاحبه کنند، هیچ‌کس شاکي نمی‌شود؟

هووووم... سؤال خوبی بود.

-اما اگر یک روزنامه‌نگار یا نویسنده بدبخت پایش را بگذارد تلویزیون، شلوارش را مخاطبان باد می‌کنند؟

هووووم... سؤال خوبی بود.

-یا همه می‌توانند بروند با وزارتخانه‌ها و شهرداری و سازمان‌ها قرارداد ببندند، اما اگر یک روزنامه‌نگار بدبخت یا نویسنده پایش را بگذارد توی یکی از این جاها، توی اینترنت آبرویش را می‌برند.

هووووم... سؤال خوبی بود.

-آیا آنان گل خاردار هستند و دیگران میوه طعم‌دار؟

هووووم... سؤال خوبی بود.

- خب؟ حالا چی‌کار کنیم؟

هووووم... سؤال خوبی بود.

-هووووم... سؤال خوبی بود و مرض. جوابم چیه؟

هووووم... سؤال خوبی بود.

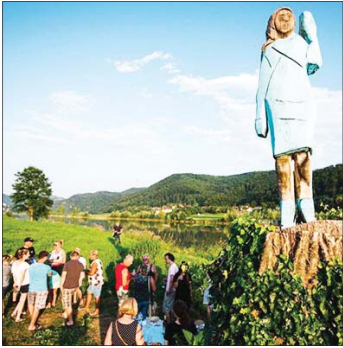
اتفاق

همسر مهاجر یک مهاجرستیز

● مجسمه چوبی به اندازه واقعی از «ملانیا ترامپ»، بانوی اول آمریکا، در نزدیکی زادگاهش در شهر «سیونیکا» در جنوب شرق اسلوونی رونمایی شد؛ مجسمه‌ای که در چندساعت گذشته توانسته واکنش‌برانگیز باشد. آن‌طور که نشریه پپِل درباره‌اش نوشته است برخی این مجسمه را جالب و برخی دیگر آن را ترسناک توصیف کرده‌اند. البته رسانه‌های ایرانی هم آن را با مجسمه مشایخی که شباهتی با خود این هنرمند نداشت و چندی پیش رونمایی شد مقایسه کردند. مجسمه چوبی خلق‌شده یادآور همان لباس رالف لورنی است که با آن در مراسم سوگند ریاست‌جمهوری ظاهر شده بود. این مجسمه توسط براد داین، هنرمند آمریکایی - برلینی و آلز یک هنرمند اسلوونی محلی ساخته شده است و از اِره برقی برای شکل‌دادن به این مجسمه استفاده کرده‌اند. آنها هدف خود را از خلق این مجسمه عدم توجه ترامپ به مسئله مهاجران دانستند. او درحالی‌که همسری مهاجر دارد، تابه‌حال بدترین برخورد‌ها را با مهاجران داشته است؛ مهاجرانی که توسط او در قفس اسیر و از فرزندان‌شان جدا شدند و بارهاوبارها تحقیر شدند.

ساکنان محلی نظرات خود را در مورد مجسمه بیان کردند که طیف متنوعی از تحسین تا نفرت را دربر می‌گیرد.

یکی از ساکنان به رویترز گفت: «مجسمه‌ساز مدت زیادی روی این اثر کار کرده است». دیگران مجسمه را «اشتباهی» نامیدند. به گفته بی‌بی‌سی، برخی حتی آن را با شخصیت اسمورف‌ها مقایسه کردند.



بسیاری نیز مجسمه را به یک بدبختی تشبیه کردند. مجسمه‌سازی به خبرگزاری فرانسه گفت: «من می‌توانم درک کنم که چرا مردم چندان با این اثر ارتباط برقرار نمی‌کنند».

یکی دیگر از ساکنان این شهر معتقد است، این اثر به خوبی استعاره تبدیل‌شدن یک دختر کوچک اهل این شهر کوچک را به بانوی اول بزرگ‌ترین و مقتدرترین کشور دنیا نشان می‌دهد و گفت: «شما می‌دانید چه چیزی باعث می‌شود او به ملانیا شبیه باشد؟ طبق گزارش رویترز، ساکنان گفتند میزانی که او توانسته رشد پیدا کند، مثل او بالای بالا رفته است، درست مانند ملانیا که به بالاترین مرتبه در آمریکا صعود کرد. -درحالی‌که اکنون همسرش - دونالد ترامپ- که رئیس‌جمهور آمریکاست، بیشترین فشار‌ها را برای حذف مهاجران در آمریکا انجام می‌دهد.

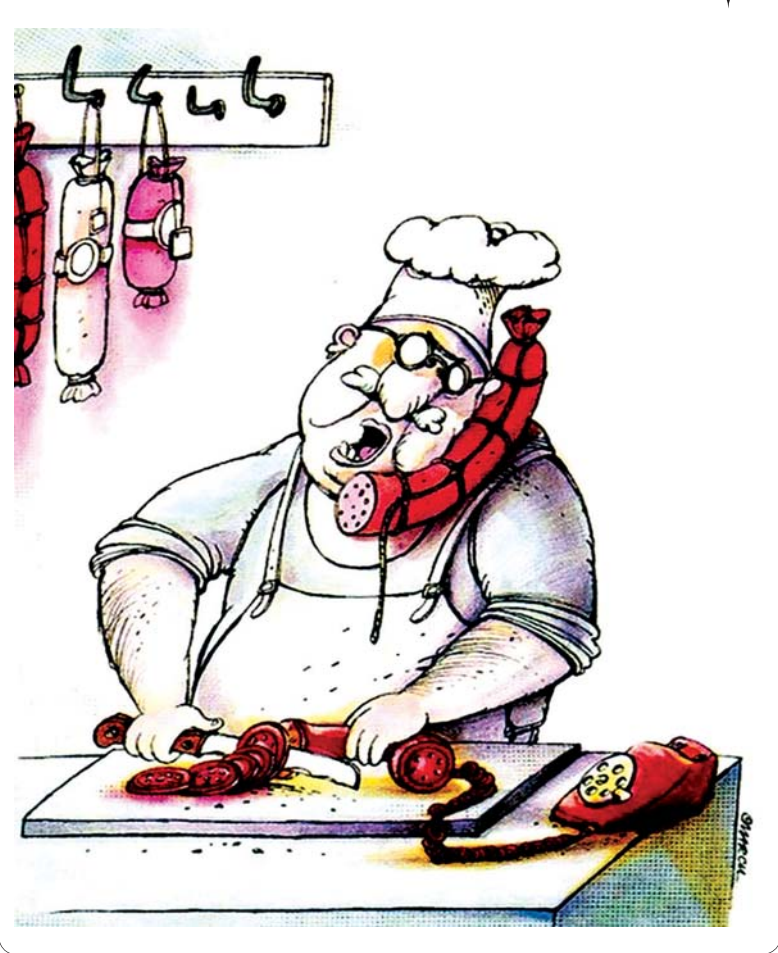
روزنامه شتر

سه‌شنبه ۱۸ تیر ۱۳۹۸
۶ ذی‌القعدة ۱۴۴۰
۹ جولای ۲۰۱۹
سال شانزدهم
شماره ۳۴۷۰
۱۶ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۳:۱۰
اذان مغرب ۲۰:۴۴
اذان صبح فردا ۴:۱۲
طلوع آفتاب ۵:۵۶

روزنارخرا

کارتون خواب

کریستین مارکو



پرنده آبی

کتابخانه‌هایمان را نجات دهید

اسکس در انگلستان دچار دو چالش مهم با مردم شده است؛ در این میان اعتراض‌های مدنی گسترده‌ای رخ داده است تا اعضای شورای شهر در تصمیم‌های خود تجدیدنظر کنند. یکی از این تصمیم‌ها دریافت پول سالانه برای بلندکردن افراد سالخورده از روی زمین است.

این اتفاق در یکی از مناطق کوچک و به دستور مسئولان محلی رخ داده است. برنامه کمک به سالخورده‌ها که جزء مسئولیت‌های گردانندگان اجرائی شهر است، در یکی از مناطق و با هدف افزایش درآمد با شهریه سالانه ۲۵٫۹۲ پوند تعریف شده است.

طبق این برنامه آنها هنگامی که بر زمین افتاده‌اند، می‌توانند با تماس تلفنی از افراد متخصص درخواست کنند تا آنها را بردارند؛ اما قرار است از این پس مبلغی را بپردازند تا این کمک به آنها بشود. این شهریه قرار است از دوهزار و ۵۰۰ ساکنی که به سرویس Carline متصل هستند، دریافت شود.

سرویس «بلندکردن» به این معنی است که کارکنان مراقبت از طریق یک زنگ مخصوص به خانه فرد سالمند می‌روند و نیاز‌ها و آنها را برطرف می‌کنند.
مایکل لو کورنو، رئیس گروه اقدامات بازنشستگان، به دلیلی میروزر گفته است این طرح و اخذ این شهریه، به این معنی است که مردم برای سقوطکردن خود مجازات می‌شوند. بازنشستگان در تمام مراحل زندگی مالیات خود را پرداخت کرده‌اند و در واقع این‌بار از آنها خواسته می‌شود بار دیگر مالیات بدهند. شورای شهر در مقابل این اعتراض‌ها گفت پیش از این با مشتريان مشورت کرده است و ۶۰ درصد از پاسخ‌دهندگان گفته‌اند که از این حرکت حمایت می‌کنند و این مبلغ را به ۱۹،۲۴ پوند در ماه می‌رسانند. اجراکنندگان این طرح امیدوارند در صورت افزایش مبلغ، تعداد درخواست آمبولانس‌ها برای سقوط ساده، کاهش یابد.

از سوی دیگر مردم شهر ساکس درباره نجات کتابخانه‌هایشان مجموعه‌ای از کمپین‌ها و گردهمایی‌های پرشور را ترتیب داده‌اند. آنها معتقدند اعضای شورای شهر پس از



روایت

روزگار خاکستری، روی پرده نقره‌ای



داوود محمدی روزنامه‌نگار

● یکم؛ روشنفکر و هنرمند، فعال سیاسی و حتی مردم عادی تا در مخمصه‌ای گرفتار می‌آیند، چشم امید به مطبوعات می‌دوزند تا فریاد اعتراض آنان را به گوش جامعه و مسئولان برسانند و افکار عمومی را برای ممانعت از تضییع حقشان بسیج کنند. روزنامه‌نگاران هم همواره کوشیده‌اند به مدد واژگان بی‌صدای خود، بلندگوی دفاع از آسیب‌دیدگان شوند. روزنامه‌نگاران، تلاش می‌کنند و تاوان‌ها را به جان می‌خرند تا مبدا حقی از کسی پامال شود و در این میان، واقعیت تلخ آن است که کمتر فرد، گروه و نهادهی، چالش‌های صنفی روزنامه‌نگاران را می‌بیند یا برای رفع تنگناهای تحمیلی بر آنان گامی جدی برمی‌دارد یا حتی همدلی نشان می‌دهد. مثال می‌خواهید؟ جای دور نرویم، از فهرست طولانی و متنوع تولیدات سینمای ایران، چند فیلم درباره مشکلات صنفی و شغلی روزنامه‌نگاران به خاطر می‌آورید؟ در چنین فضایی، انتخاب سوزهای روزنامه‌نگاران برای مستندسازی مصائب «سنگ‌سازان بی‌سنگر»،

انگیزه و جسارتی عاشقانه می‌طلبد.
● دوم؛ مینا اکبری، روزنامه‌نگاری شناخته‌شده و حرفه‌ای است که فراز و نشیب‌های مطبوعات را با گوشت و پوست خود لمس کرده و هم‌زمان، منتقد سینمای باسابقه و آشنا به لایه‌های آشکار و پنهان پرده نقره‌ای است؛ پس، شنیدن نام او به‌عنوان کارگردان مستند «میدان جوانان سابق»، دور از انتظار نیست. او تحت تأثیر نگاه نوستالژیک به دوران فعالیت خود در تحریریه «جامعه» از سویی و دلبستگی به همکاری‌اش از سوی دیگر، تصمیم می‌گیرد به جست‌وجوی حاضران در عکس‌یادگاری تحریریه برود؛ عکسی که سال ۷۶ و به پیشنهاد ماشالله شمس‌الواعظین، سردبیر روزنامه، برای روی جلد شماره نوروزی جان گرفت. همین سوزهایبی متفاوت که رگ‌های قوی نگاه ژورنالیستی مینا در آن هویداست، مخاطب را هم‌سفر مستندی می‌کند که کنکاشی جسورانه در موضوعی مهم اما مغفول دارد. درون‌مایه «میدان جوانان سابق» روایتی تصویری از یک گزارش ژورنالیستی است. مینا گزارش میدانی روزنامه‌نگاران‌ای را نه با قلم و بر سینه کاغذ، بلکه در قالب «مستند مشارکتی» و از دریچه دوربین و روی پرده نقره‌ای در معرض دید و داوری



از وطن یا گزینش شغل‌هایی ناهم‌جنس از کافه‌داری گرفته تا بازیگری یا استحاله در روزنامه‌نگاری محافظه‌کارانه «بقامحور» ناچار شده‌اند اما این تنبیه از سوی قدرت‌مداران، محدود به یک روزنامه و «جامعه» نیست زیرا روزنامه‌نگاران دیگر مطبوعات مستقل نیز فرجام مشابهی داشتند. از این زاویه، محتوای «میدان جوانان سابق» برشی از وضعیت خانواده مطبوعات ایران است؛ نکته‌ای که در یکی از دیالوگ‌های مستند هم اشاره و تأکید شد که اگر چهره حاضران در عکس یادگاری تحریریه «جامعه» محو شود، سیمای بسیاری از روزنامه‌نگاران دیگر با فرجامی مشابه را می‌توان در همان قاب نشانده. درواقع، «میدان جوانان سابق»، نه‌فقط تلاشی برای شناساندن مصائب روزنامه‌نگاری به نسلی است که دوره کوتاه «بهار مطبوعات» را ندیده‌اند یا از نزدیک تجربه نکرده‌اند، بلکه نوعی تاریخ شفاهی مطبوعات ایران است که به شناخت دقیق‌تر و عمیق‌تر آیندگان از فضای مطبوعاتی کشور در یکی از حساس‌ترین برهه‌ها یاری خواهد رساند و باید امیدوار باشیم با پرشمارشدن چهره‌هایی مانند مینا اکبری گنجینه‌ای غنی در دسترس آیندگان قرار گیرد تا گذشته را چراغ آینده کنند.

گزارش

زنان ایرانی و زیست دوگانه

فریبا رضایی؛ نشست تخصصی «ارزش‌ها و نگرش‌های زنان ایرانی» فرصتی بود تا به برخی جزئیات درباره جایگاه زنان در ایران امروز پرداخته شود. در این نشست تخصصی دکتر عظیمی به بیان جزئیات «پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌ها» که در سه موج و در سال‌های ۸۴، ۷۹ و ۹۴ انجام شده، پرداخت. بررسی «خانواده» و «برابری جنسیتی»، دو مقوله بسیار مهم در این پیمایش هستند، اما در موج اول، مبحث زنان و مسائل جنسیتی بررسی نشده و در موج دوم، گویه‌هایی حذف و گویه‌های دیگر جایگزین آن شده که همین مسئله، امکان انجام کار تطبیقی را از بین می‌برد. عظیمی پس از مروری کوتاه بر گویه‌های مرتبط با زنان در پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌ها، گفت: «مقایسه گویه‌ها در دو موج ۸۲ و ۹۴ نشان می‌دهد زنان ایرانی دچار یک زیست دوگانه هستند؛ یعنی از یک طرف پای آنها در سنت و مواردی مثل همسرداری و خانه‌داری است و از طرف دیگر، به سمت مدرن‌شدن حرکت می‌کنند؛ مثل کارکردن‌ها یا نابرابری جنسیتی در سال ۹۴ نسبت به سال ۸۲ است. دکتر نیره توکلی از دیگر حاضران این برنامه بود که درباره نوع برخورد کشور‌ها با زنان صحبت کرد و آنها را در سه دسته جای داد و ابراز کرد: «کشور‌های پدرسالارانه، هم در فضای عمومی و

مخاطب قرار می‌دهد.

● سوم؛ نقطه قوت «میدان جوانان سابق»، نقشه راه روشن آن در ذهن کارگردان است. مینا به علت تسلط بر موضوع، می‌داند در جست‌وجوی چیست، سراغ چه کسانی بود و با هر کس چه موضوعی را به بحث بگذارد تا در کمترین مدت، حداکثر خروجی مفید را به دست آورد. فیلم، عمدتاً، مبتنی بر گفتار است و همین می‌توانست دافعه آن باشد اما کلام روان و مؤثر روزنامه‌نگاران پیشین «جامعه» که بر خاسته از تجارب حرفه‌ای آنان است و نیز دلبستگی عمیقشان به سوز‌ها، باعث شده است کلام آنان، هنگام مرور خاطرات و توصیف وضعیت فعلی و بیان رویاهایشان، دلنشین شده و به جاذبه مستند نزد مخاطب تبدیل شود. حضور کلامی مینا نیز چه در مشارکت فعال در دیالوگ با همکاران سابق خود و چه در تک‌گویی‌ها بر کیفیت فیلم افزوده است و مخاطب، حضور او را مزاحم یا بی‌ربط، تلقی نمی‌کند. همچنین پرهیز از برجسته‌سازی لوکیشن‌ها موجب تمرکز بیشتر تماشاگر بر شخصیت‌ها و دیالوگ‌ها شده و در نتیجه، گوش و چشم او به یک اندازه و بدون احساس خستگی فیلم را تعقیب می‌کنند.

● چهارم؛ تمرکز «میدان جوانان سابق» بررسی فراز و فرود «جامعه» و روایتگر توانایی است که تحریریه این روزنامه پرداختند و در نهایت، به یاد‌کنندن از عشق حرفه‌ای خود، کوچ از وطن یا گزینش شغل‌هایی ناهم‌جنس از کافه‌داری گرفته تا بازیگری یا استحاله در روزنامه‌نگاری محافظه‌کارانه «بقامحور» ناچار شده‌اند اما این تنبیه از سوی قدرت‌مداران، محدود به یک روزنامه و «جامعه» نیست زیرا روزنامه‌نگاران دیگر مطبوعات مستقل نیز فرجام مشابهی داشتند. از این زاویه، محتوای «میدان جوانان سابق» برشی از وضعیت خانواده مطبوعات ایران است؛ نکته‌ای که در یکی از دیالوگ‌های مستند هم اشاره و تأکید شد که اگر چهره حاضران در عکس یادگاری تحریریه «جامعه» محو شود، سیمای بسیاری از روزنامه‌نگاران دیگر با فرجامی مشابه را می‌توان در همان قاب نشانده. درواقع، «میدان جوانان سابق»، نه‌فقط تلاشی برای شناساندن مصائب روزنامه‌نگاری به نسلی است که دوره کوتاه «بهار مطبوعات» را ندیده‌اند یا از نزدیک تجربه نکرده‌اند، بلکه نوعی تاریخ شفاهی مطبوعات ایران است که به شناخت دقیق‌تر و عمیق‌تر آیندگان از فضای مطبوعاتی کشور در یکی از حساس‌ترین برهه‌ها یاری خواهد رساند و باید امیدوار باشیم با پرشمارشدن چهره‌هایی مانند مینا اکبری گنجینه‌ای غنی در دسترس آیندگان قرار گیرد تا گذشته را چراغ آینده کنند.

گزارش

زنان ایرانی و زیست دوگانه

هم در فضای خصوصی، به‌شدت زنان و دخترانشان را سرکوب می‌کنند؛ مانند کشورهای حاشیه خلیج فارس. دسته دوم کشورهایی هستند که عضو کنوانسیون‌های بین‌المللی هستند و به سرمایه‌داری پیشرفته وابسته‌اند. در این کشور‌ها تساهل و رواداری از بالا بیشتر است، ولی در پایین و در فضای خصوصی بسیار سرکوبگر هستند؛ مثل افغانستان. در دسته سوم هم کشورهایی مثل ایران جای می‌گیرند که در آنها تساهل و رواداری در سطح خصوصی بیشتر و برعکس در سطح عمومی کمتر است». توکلی درباره انعکاس زنان در رسانه‌ها عنوان کرد: «رسانه‌های خارجی تلاش می‌کنند اندیشه‌های ایران را واپس گرایانه نشان دهند و از طرف دیگر هم، تصویری از زنان ایرانی با این‌همه مشارکت مدنی فعالی که دارند، در رسانه‌های داخلی بازتاب نمی‌یابد. رسانه ملی سعی می‌کند تصویر این بُعد از زنان را منعکس نکند یا اگر تصویری منعکس می‌شود، تصویری منفی است؛ مثلاً قبلاً تصویر زنان تحصیل‌کرده به شکل منفی در رسانه‌ها بازتاب می‌شد که مسئولیت مادرانه‌اش را قبول نمی‌کند، بی‌عاطفه است و ... در حال حاضر هم تصویر زنانی که فعال محیط‌زیستی هستند منفی نشان داده می‌شود. این وارونه جلوه‌دادن تصویر زنان است». این پژوهشگر ارتباطات با اشاره به عدم انعکاس عرف خود در رسانه تأکید کرد: «جایگاهی که یک زن در خانواده‌اش دارد و از انواع فعالیت‌های اجتماعی آن دور، خانواده‌ها حمایت می‌شود، در رسانه منعکس نمی‌شود. بهتر است که عرف خود را به رسمیت بشناسیم و در این مسیر، از شادی و نشاط و فضای آرامش برای زنان دفاع کنیم تا زنان ما دچار مصرف‌گرایی (فرهنگی) نشوند».

تجربه دیگران

- تدفین آسمانی بوداییان تبت: وقتی می‌توانید با گوشت بدن فرد تازه‌درگذشته حیوانات را سیر کنید، چرا خودتان آن را بخورید؟ چنین فکری همان رسم بوداییان تبت یا «تدفین آسمانی» است؛ سنت خردگرایان بدن مرده به تکه‌های کوچک و سپردن باقی کار به حیوانات و مشخصاً پرندگان. امروزه بیش از ۸۰ درصد بوداییان تبت تدفین آسمانی را انتخاب می‌کنند؛ رسمی که هزاران سال مشاهده شده است.
- تدفین معلق: زندگی مردمان مرموز «بو (Bo)» بیش از ۱۰ نمونه از آداب‌ورسوم عجیب‌وغریبی را که مردم دنیا برای تدفین مردگان‌شان به کار می‌برند معرفی کرده است، ازجمله:
- اندوکنیالیسم: برای بعضی فرهنگ‌ها بهترین راه برای ارج‌نهمان به مردگان، خوردن آنهاست که انسان‌شناسان از آن به‌عنوان «اندوکنیالیسم» یاد می‌کنند. از نگاه پیروان این سنت، «خوردن گوشت همون مرده» راهی است برای ایجاد ارتباطی دائمی بین افراد زنده با فرد تازه‌درگذشته.

وحشت‌مرگ

ایسنا ۱۰ نمونه از آداب‌ورسوم عجیب‌وغریبی را که مردم دنیا برای تدفین مردگان‌شان به کار می‌برند معرفی کرده است، ازجمله:

- اندوکنیالیسم: برای بعضی فرهنگ‌ها بهترین راه برای ارج‌نهمان به مردگان، خوردن آنهاست که انسان‌شناسان از آن به‌عنوان «اندوکنیالیسم» یاد می‌کنند. از نگاه پیروان این سنت، «خوردن گوشت همون مرده» راهی است برای ایجاد ارتباطی دائمی بین افراد زنده با فرد تازه‌درگذشته.

رسانه، جامعه، حریم خصوصی-۳

امام خمینی^(۵) قضاوت رفتار و تحلیل تفکرات



صادق صدقگو دکترای مدیریت رسانه

شهروندان بر اساس الگویی از پیش تعریف‌شده و اجبار و الزام مردم جامعه به پذیرش آن الگوی فکری را نیز مغایر با کرامت انسان‌ها و ناقض حریم شخصی‌شان می‌دانستند. از این رو ر ۲۰ روز پس از صدور فرمان هشت‌ماده‌ای امام خمینی (ره) در تاریخ ۱۳۶۱/۱۰/۱۵ نیز در نامه دیگری به ستاد پیگیری تخلفات قضائی و اداری، ضمن انحلال هیئت‌های گزینش، تجسس از احوال اشخاص را ممنوع و در امر گزینش نیز میزان را حال فعلی افراد اعلام می‌کند.

ایشان در پیام خود انتشار کتب و جزوات آموزشی برای متقاضیان گزینش عمومی را «مستطهجن، اسف‌آور و انحرافی» اعلام کرده و از این رو «برای حیثیت اسلام و جمهوری اسلامی» مضر دانسته‌اند. در بخشی از این پیام آمده است: «کسانی که در رژیم سابق به واسطه جو حاکم یا الزام رژیم ستمگر مرتکب بعضی نارواها شده‌اند ولی فعلا به حال عادی و اخلاق صحیح برگشته‌اند، تندروی‌های جاهلانه در حق آنها نشود که این ظلم است و مخالف دستور اسلام و باید ممنوع اعلام شود» و «اگر افرادی، چه به‌واسطه سؤال‌های شرعی که دانستن آنها برای این اشخاص لزوم ندارد و چه سؤال‌های ناروایی که به اسلام ارتباط ندارد، از ادارات و وزارتخانه‌ها یا دیگر مراکز اخراج شده‌اند یا به واسطه آن استخدام نشده‌اند، تشخیص داده تا اگر اخراج یا عدم پذیرش به صرف این امور یا اشباه آن بوده است، آنان را به محل خود برای خدمت برگردانند که این نحوه عمل که با آنها شده است ظلم فاحش است و محروم‌نمودن کشور از اشخاص مفید می‌باشد که از همه اینها باید جلوگیری شود».

ایشان با نوعی آینده‌نگری، ریشه مشکلات ناشی از ناسامانی داخلی در کشور را در این معضل شناسایی کرده و در دیدار نوروزی با مسئولان کشوری و لشکری با اشاره به اجرای مفاد فرمان هشت‌ماده‌ای تأکید می‌کنند: «تعقیب بیشتر لازم است، باید با قدرت و قوه دنیال این بروند که ناسامانی‌های این کشور رفع بشود».

فارغ از اصول بیست‌وسوم و بیست‌ونجم قانون اساسی (منع تفتیش عقاید، استراق سمع و تجسس)، استاد شهید مطهری نیز بر این باور است که «در اسلام تجسس و تفتیش عقاید به هیچ شکل جایز نیست» و «اساسا اسلام با تجسس و تحقیق از گناه، مطلقا مخالف است، با جاسوسی‌کردن برای کشف گناهان مردم مخالف است».

ریشه‌های این نگاه جامع در پاسداشت حریم شهروندان جامعه را می‌توان در موارد متعددی از آموزه‌های اسلامی مشاهده کرد: از منع تجسس^۵ و ه‌گونه تصرف در اموال دیگران^۶ (که بر حریم اشخاص نیز منطبق است)^۷ یا «ممنوعیت سلب آزادی افراد با تجسس و جست‌وجو^۸ برای یافتن گناهان و لغزش‌های دیگران».

علاوه بر اینکه خداوند متعال در قرآن به‌صراحت مؤمنان را از تجسس بازدارده^۹؛ در روایتی از رسول خدا(ص) هم آمده است: «من مأمور نیستم از نهان و پنهان مردم جست‌وجو کنم»^{۱۰} یا امام صادق(ع) که فرمود: «از مرام و باورهای مردم جست‌وجو مکن، تا تنها و بی‌همراه نمائی».^{۱۱}

پی‌نوشت:

- صحیفه امام، جلد ۱۷ ص ۲۱۹
- همان، ص ۳۷۱
- مرئضی‌مطهری، جهاد اسلامی و آزادی عقیده- صفحه ۱۰۲
- مرئضی‌مطهری، آشنایی با قرآن جلد ۴، ص ۷۵
- صحب‌البخاری، ج ۴ - ص ۲۷۱
- قرآن کریم، سوره نساء- آیه ۲۹
- جلال‌الدین سیوطی، الاشباه والنظائر، ج ۱: ص ۶۸۲- ۷۸۲
- مجمع‌البیان، ج ۵- ص ۷۳۱
- قرآن کریم، سوره حجرات- آیه ۱۲
- کنز‌العمال، ج ۳ ، ص ۸۰-۸۰، شماره ۵۳۰۵۱
- میزان‌الحکمه، ج ۱، ص ۱۹۳.

تجربه دیگران

از آنکه پنج قرن پیش توسط مینگ دیناستی قتل‌عام شوند، رونق داشت. امروزه قبیله بو تقریباً به طور کامل فراموش شده، اما به لطف تابوت‌های معلق دراماتیکی که از خود برج گذاشته‌اند حفظ شده است؛ اثری فراموش‌نشدنی از ۱۶۰ تابوت در کنار صخره‌ها و درون غارهای طبیعی قرار داده شده و تعدادی تابوت هم با مرده‌هایی که درونشان خوابیده‌اند از بدنه صخره‌ها معلق‌اند. اینکه چرا آنان مردگان خود را به این روش دفن می‌کردند کاملاً رازآلود مانده است.